



۱۴

زندگی پرفشار

بیماری فشار خون بالا را در روز جهانی این معضل فراگیر بیشتر بشناسیم



۱۶

خانه‌ات آباد!

زندگی

پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۸ :: شماره ۵۳۸۵



کالبدشکافی ماشین‌های قرمز

۱۵



info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۷



شهرک - سرقت

دشتستان از تبریز:

شهرک اندیشه تبریز به بهشت سارقان خودرو تبدیل شده است. شهرک اندیشه کوچه لاچین ۳ امنیت بسیار کمی دارد. لطفا مسؤولان انتظامی اقدامی صورت دهند.

پل عابر - مدرسه

زهدی از تهران:

در بزرگراه رسالت تقاطع متروی درشت با وجود چند مدرسه و رفت و آمد شهروندان، پل عابر پیاده کم‌انرژی وجود ندارد.

برند - قلب

سادات از تهران:

برندهای قلبی البسه بسیار زیاد شده و اجناس چینی را با مارک ایرانی و ترک به فروش می‌رسانند.

تعریف - خودسرانه

کبریایی از تهران:

دندانپزشکی‌ها نرخ مصوبی ندارند و هر دندانپزشک قیمت دلخواه خود را از بیماران دریافت می‌کند و متأسفانه در این موضوع وزارت بهداشت هم نظارتی ندارد.

امنیت - خانی‌آبادنو

جمعی از شهروندان خانی‌آباد:

از نیروی انتظامی خواهشمندیم توجه بیشتری به امنیت محله خانی‌آبادنو داشته باشد. مدتی است که سرقت تلفن همراه و لاستیک خودرو در این محله زیاد شده است.

بی‌عدالتی - نامگذاری

شیریان از تهران:

چرا در خصوص نامگذاری برخی مناطق تهران به نام هنرمندان فقط مناطق بالای شهر لحاظ شد و هیچ‌نگاهی به مناطق پایین و مرکز شهر نشد.

مزاحمت - ارادل

خوشرو از تهران:

با گرم شدن هوا و حضور خانواده‌ها در پارک‌های شقایق و بهشت واقع در خانی‌آباد به‌ویژه در ساعات عصر، تعدادی ارادل و اوباش نیز با حضور در این پارک‌ها برای شهروندان ایجاد مزاحمت می‌کنند.

اتوبوس - بی‌ایستگاه

نجفی از تهران:

خط اتوبوسرانی بهارستان به میدان جمهوری در تقاطع خیابان جمهوری با سی‌تیر ایستگاه دارد، اما هیچ‌جایی به این منظور ایجاد نشده و شهروندان و برخی رانندگان از وجود آن بی‌اطلاع هستند.



گفت‌وگو با زوج جوانی که فعالیت‌های جهادی، بخش مهمی از زندگی مشترکشان است

طعم شیرین سفرهای جهادی متاهلی



سرس نمی‌شود و باعث شده آنها خیلی وقت‌ها دست محمدادی، فرزند کوچکشان را هم بگیرند و با خودشان در این سفرها همراه کنند. مانده از این سفرها خاطره زیاد دارد، ما یکی از این خاطرات را باهم مرور می‌کنیم، خاطره سفر به مناطق محروم خوزستان؛ امن به محض این‌که رسیدیم بچه‌های محل را دور هم جمع کردم و به مهارت آموزشی‌های مختلف مثل نقاشی، آموزش احکام در حد نیاز بچه‌ها و آموزش قرآن مشغول شدم. اما نکته‌ای که هنوز خاطرم مانده این بود که چون نزدیک ایام نوروز ۹۶ بود، ما تصمیم گرفتیم نمادهای هفت‌سین را هم به بچه‌ها آموزش بدهیم اما آنها حتی اسم هفت‌سین را هم نشنیده بودند و هضم این موضوع برای من خیلی سخت بود.

مانده به عنوان يك زن روحیه لطیفی دارد، روحیه‌ای حساس که خیلی وقت‌ها وقتی با حجم محرومیت در این مناطق روبه‌رو می‌شود، متأثر می‌شود، او اما به عنوان يك بانوی جهادگر سعی می‌کند این تأثیر و ناراحتی را به سمتی هدایت کند که برای افرادی که در مناطق محروم و در شرایط سخت هستند، بهترین بازدهی را داشته باشد، من خیلی وقت‌ها ناراحت می‌شوم و به خاطر چیزهایی که می‌بینم غصه می‌خورم اما همیشه با خودم می‌گویم من اینجا هستم تا این شرایط تغییر کند و با غصه خوردن مشکل حل نمی‌شود. همدردی خوب است اما چاره‌کار نیست و من و بقیه بچه‌های جهادگر باید مشکلات این مناطق را تا جایی که می‌توانیم حل کنیم.

پشت صحنه يك حرکت فرهنگی تربیتی

برای این زوج جهادگر، کار جهادی با چند هدف انجام می‌شود: برای رضای خدا، برای کمک نیازمندان و در نهایت برای حال خوب خود اعضای گروه. درحقیقت اردوی جهادی يك حرکت فرهنگی- تربیتی است که نتیجه اش فقط بهبود شرایط زندگی مردم مناطق محروم نیست، بلکه خود اعضای گروه هم از قبیل فعالیت‌های جهادی به يك خودسازی عالی می‌رسند. در این گروه جهادی کار به این روال است که اعضا در مدت زمان مشخص در روستا و منطقه محروم حضور دارند و فعالیت‌های مختلف عمرانی، فرهنگی و ... را در این مناطق انجام می‌دهند اما این پایان ماجرا نیست و آنها بعد از بازگشت از اردوها باز با هم ارتباط دارند و به تبادل تجربیات می‌پردازند. جهانی در این باره می‌گوید: «در گروه‌های ما، همه جور قشری حضور دارد، از روحانی گرفته تا متخصص‌های رشته‌های پزشکی و روان پزشکی، از فعالان رشته‌های سیاسی و اجتماعی گرفته تا حتی معلم و مدرس دانشگاه و ... همه اینها بخشی از زمان و وقت کاری و حتی اوقات فراغتشان را برای فعالیت‌های جهادی می‌گذارند.»

جهادی دیگر بالاخره موفق شد گروه جهادی خودش را هم تشکیل بدهد؛ گروهی که اسمش شد خادمان وارثان زمین. نامی که از قرآن کریم انتخاب کردند و حالا به‌واسطه همین انتخاب اسم، بیشتر از قبل دل به دل مردم نیازمند بدهند و عزمشان را برای خدمت‌رسانی به مناطق محروم جزم کنند.

محمد مهدی جهانی درباره گروه جهادی‌شان يك نکته جالب هم می‌گوید، این‌که بچه‌های گروه در ابتدای خدمت همگی مجرد بودند و گروه‌شان تقریباً مردانه بود، اما حالا همه آنها سروسامان گرفته، ازدواج کرده‌اند و گروه‌شان به يك گروه زوج محور تبدیل شده، یعنی برپایه فعالیت مشترک زن و شوهرها کارهایشان انجام می‌شود و این یعنی اعضای گروه به صورت زوجی سفر می‌کنند.

گروه جهادی خادمان وارثان زمین، مدت هاست آستین همت را بالا زده‌اند تا به نیازمندان کمک کنند. دست محرومان را بگیرند. گروهی که از صفر تا صد همه فعالیت‌هایشان را خودشان انجام می‌دهند؛ «به طور معمول گروه‌هایمان ۸۰ نفری است؛ متشکل از ۴۰ خانم و ۴۰ آقا که زن و شوهر هستند و همگی با هم به سفرهای جهادی می‌رویم؛ البته این موضوع بستگی به شرایط منطقه‌ای که به آن سفر می‌کنیم و بازه زمانی سفر دارد.»

با این حال برای این گروه جهادی، بیشتر سفرهایی که در تابستان انجام می‌شود، جزو سفرهای متاهلی است.

همدردی صرف چاره‌کار نیست

«پای علاقه که در میان باشد بقیه مشکلات حل می‌شود و انسان راهش را پیدا می‌کند و به سمت هدف هدایت می‌شود.» اینها را مانده امانی می‌گوید و این یعنی، عشق و علاقه خدمت به محرومان و بهانه‌ای که پای او و همسرش را به دور افتاده‌ترین نقاط کشور باز کرد. عشق و علاقه‌ای که زمان و شرایط

محمد مهدی جهانی و مانده امانی، اهل دامغان هستند و ساکن پایتخت؛ زوج جوانی که مدت هاست يك سبک زندگی خاص را برای خودشان انتخاب کرده‌اند، يك زندگی جهادی! تصمیمی که باعث شده پایشان به شهرها و مناطق محروم کشورمان باز شود. نتیجه این تصمیم محمد مهدی و مانده حالا تجربه حضور در کنار آدم‌هایی است که گرچه دستشان تنگ است، اما دلشان به اندازه يك دریاست؛ آنقدر که رشته محبت بین آنها هیچ‌وقت قطع نشود.



فانزه اکبری

جامعه

من کم گذاشتم او پیشقدم بشود و درحقیقت مکمل من باشد.» او همیشه دعا می‌کرد خداوند همسری را نصیبش کند که همپای او در مسیر سخت زندگی باشد؛ دعایی که مستجاب شد و محمد مهدی و مانده سر راه هم قرار گرفتند. محمد مهدی در همین رابطه می‌گوید: «چون این قضیه برای من خیلی مهم بود، از همان اول گفتم یکی از خواسته‌هایم در ازدواج این است که همسر من شرایط زندگی جهادی مرا بپذیرد، یعنی این‌که قبول کند ما شاید در هفته یا ماه دوبار برای کمک‌رسانی و جهاد به يك منطقه دور افتاده برویم، شاید خیلی‌ها این شرایط را قبول نکنند، اما همسر من چون خودش هم دغدغه کار خیر داشت، خوشبختانه قبول کرد.» حالا چیزی حدود هفت سال از این ماجرا گذشته و محمد مهدی خدا را شکر می‌کند که بهترین همسرا را در مسیر زندگی نصیب او کرده است: «من خدا را شکر می‌کنم که روحیه همسر من با روحیه من سازگار است؛ این يك نعمت در زندگی مشترک است که شاید نصیب هر کسی نشود. همسر من این شجاعت را داشت که در اول راه پرفراز و نشیب زندگی، از خانواده خودش دور شود و با من به مناطق محروم سفر کند، آن هم نه سفر تفریحی بلکه سفر کاری به مناطق صعب‌العبور و بدون امکانات و این موضوع برای من بسیار ارزشمند است.»

خادمان وارثان زمین از کجا آمد؟

محمد مهدی بعد از مدتی حضور در کنار گروه‌های

جهادی که هدفش سازندگی است



هرکسی با يك هدف و انگیزه در اردوی جهادی شرکت می‌کند؛ انگیزه‌ای که بین خودش و خدای خودش است، محمد مهدی می‌گوید: به نظر من مهم‌ترین هدف در اردوهای جهادی، سازندگی است. این سازندگی هم نماد بیرونی دارد و به فعالیت‌های عمرانی در منطقه می‌رسد و هم ساختن شخصیت خود فرد جهادگر را شامل می‌شود. به خاطر همین است که می‌گویم رشد و تربیت خود جهادگرها یکی از هدف‌های شرکت در این گروه‌هاست؛ چرا که يك جهادگر با حضور در این اردوها، رشد می‌کند و یاد می‌گیرد که چگونه مشکلات را مدیریت کند، چطور کار مشارکتی انجام بدهد و البته خدا را هم به خاطر نعمت‌هایی که دارد شاکر باشد.

وقتی خیلی‌ها رفیق نیمه‌راه شدند

سمنان، سیستان و بلوچستان، کرمان، خوزستان، ایلام، کرمانشاه و ده‌ها شهر دیگر، همگی جزو مناطقی هستند که حداقل يك بار به عنوان مقصد سفرهای جهادی این گروه انتخاب شده‌اند؛ سهم بعضی مناطق اما به خاطر شرایط خاص و حجم محرومیتشان کمی بیشتر است؛ نقاط محروم استان کرمان برای این گروه جهادی جزو مناطق خاص است.

محمد مهدی در این باره می‌گوید: «سفر به زهک‌لوت، روستایی در جنوب کرمان همیشه ما را تحت تأثیر قرار داده و يك بار ۲۶ روز سخت را در این منطقه گذرانیدیم. تابستان بود، گرمای هوا خیلی آذیت می‌کرد، جاده‌ها خاکی و پردست‌انداز بودند، گرد و غبار امان همه را بریده بود، آنقدر که صبر خیلی‌ها سرآمد و کار را نیمه‌کاره رها کردند و برگشتند. یادم است روزی که به زهک‌لوت می‌رفتیم ۴۵ نفر بودیم و قرار بود ده روز در این منطقه حضور داشته باشیم اما وسط کار شرایط آنقدر سخت شد که خیلی‌ها برگشتند و فقط شش نفر ماندیم و به خاطر این‌که تعدادمان کم شد، مجبور شدیم روزهای بیشتری در منطقه حضور داشته باشیم و به مردم کمک کنیم.»

خاطره حضور در يك منطقه کپر نشین

سفر به منطقه محروم «میل فرهاد» کرمان از دیگر خاطرات این زوج جهادی است؛ منطقه‌ای با دسترسی سخت و دشوار که کمتر مورد توجه گروه‌های جهادی قرار می‌گیرد. محمد مهدی درباره این سفر می‌گوید: «میل فرهاد از نزدیک‌ترین شهری که در آنجا بانک وجود داشت، حدود ۱۶۰ کیلومتر فاصله داشت. ما اصلاً اسمش را هم نشنیده بودیم تا این‌که با چند نفر از دانشجویان دانشگاه باهنر کرمان صحبت کردیم و آنها به اندازه‌ای از مشکلات مردم این منطقه گفتند که با خودمان گفتیم حتماً باید به اینجا سرزنیم.»

اولین تصویری که در این منطقه به چشم این زوج جهادی آمد، زندگی مردم در کپر بود؛ جایی بدون مدرسه، مسجد و ... کپرهای گنبدی شکل که با حصیر خرما ساخته شده بود این انگیزه را در ذهن محمد مهدی و هم‌گروهی‌هایش ایجاد کرد که برای آنها يك سقف واقعی بسازند؛ «ما تصمیم گرفتیم برای اهالی يك مسجد بسازیم تا اگر شرایط آب و هوا سخت شد، مثلاً برف و باران آمد، حداقل بتوانند زیر این سقف پناه بگیرند.»